

نعل وارونه ترکیه در روابط با همسایگان

ali/خبرگزاری آران

گذشته از موارد متناقض ترکیه در باب مسائل منطقه، که روزی کشتار بحرین را به کربلا تشبیه می کنند و روز دیگر پادشاه بحرین را به مهمانی می پذیرند، باید گفت ...

مواضع متناقض ترکیه در خصوص تحولات جهان اسلام و بعضا متضاد با رویه های قبلیش باعث شد تا در این جستار، ترکیه را از منظر آنچه که حدود دو سال پیش، راهبرد اساسی سیاست خارجی خود معرفی کرد، مورد تحلیل قرار دهیم.

حدود دو سال پیش و بعد از آن که اردوغان، نخست وزیر ترکیه و رئیس حزب عدالت و توسعه ترکیه، داوود اوغلو، عضو ارشد حزب متبوعش را به عنوان وزیر امور خارجه منصوب کرد، راهبرد اساسی سیاست خارجی ترکیه در مواجهه با همسایگانش و بالاتر از آن در مقام کنش های جهانی مبتنی بر مسئله Zero-Problem در روابط با همسایگان بود.

مقصود از این راهبرد، صفر کردن مشکلات با همسایگان بود و اساسا ترکیه حتی کنشگری های خود در مسائل مهم منطقه و بین الملل را نیز به زعم خودش از این منظر و تأثیرش بر این مقوله بیان می کرد.

البته در این راهبرد تلاش خوبی را نیز انجام داد؛ چه آن که تا پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه روابط میان این کشور و همسایگانش، بخصوص با ایران به دلیلی ماهیت سکولار دولت های حاکم بر ترکیه، چندان مناسب نبود، اما حزب اردوغان روابط سیاسی و اقتصادی را با دولت ایران بسیار افزایش داد؛ به طوری که اکنون جزو بزرگترین شرکای اقتصادی ایران محسوب می شود و در روابط سیاسی ایران نیز سال گذشته در راستای حل مسالمت آمیز پرونده هسته ایران همراه با برزیل در این مسئله ورود کرد و امری خلاف توقعات آمریکا و غرب را رقم زد؛ همچنین ترکیه میزبان سومین دور مذاکرات میان سعید جلیلی و گروه 5+1 نیز در استانبول بود.

ترکیه بعد از سقوط صدام نیز روابط اقتصادی خوبی با عراق آغاز کرد و همچنین با سوریه روابط به نسبت گرم سیاسی بوجود آورد تا آنجایی که سوریه با اعتماد به ترکیه، نقش پر رنگی را در ارتباط قویتر میان ترکیه و کشورهای عربی ایفا کرد، ترکیه حتی توانست کمی از مناقشات میان خود و ارمنستان را نیز بکاهد.

اما با شروع تحولات منطقه، ترکیه که به نظر می رسد برای تشکیل امپراطوری عثمانی ولعی عجیب دارد - امری که به صراحت داوود اوغلو به آن اشاره کرده است - ناگهان در چرخشی عجیب، بسیاری از مواضع قبلی خود را نقض کرد و به جای ایفا کردن نقشش در این برهه حساس از تاریخ سیاسی جهان اسلام، سعی نمود تا ضمن حمایت ظاهری از مواضع ملت ها، در عمل برای نشان دادن خودش به عنوان یک بازیگر جهانی، مواضعی مطلوب آمریکا و غرب را اتخاذ کند تا آنجایی که هیلاری کلینتون از این همه خوش رقصی ترکیه به وجد آمد.

اگر چه سیاستمداران ترک نشان دادند که برعکس ادعایشان مبنی بر زیرکی در سیاست، هنوز هم خام و نیخته هستند؛ زیرا راهی را که بر مبنای انکا بر دوستی آمریکا باشد باید قطعاً راه متزلزل و سستی دانست، چرا که دولت آمریکا به یقین جریان های اسلامگرا را حتی در سکولارترین حالت بر جریان های لائیک موجود در ترکیه ترجیح نمی دهد و قطعاً بعد از سوءاستفاده از امتیاز ترکیه در منطقه همان کاری را با ترکیه خواهد کرد که با دیکتاتورهای منطقه در صداقت دوستی شان نشان داد.

گذشته از موارد متناقض ترکیه در باب مسائل منطقه، که روزی کشتار بحرین را به کربلا تشبیه می کنند و روز دیگر پادشاه بحرین را به مهمانی می پذیرند، باید گفت بدون شک ترکیه راهبرد اساسی سیاست خارجی خود را که همان صفر کردن مشکلات با کشورهای همسایه اش است را در ازای نزدیکتر شدن به غرب از بین برد.

ترکیه با پذیرفتن مکان سپر موشکی ناتو که به صراحت هدف از آن ایران و روسیه بیان شده است، آب سردی بر روی روابط گرمش با ایران و روسیه ریخت؛ چرا که قبلاً حتی کشورهای اروپای شرقی حاضر به پذیرفتن این مسئله به خاطر خطرات ناشی از روسیه و ایران نشده بودند، اما ترکیه با پذیرش این سپر موشکی حماقت بزرگی را در راستای روابط با ایران مرتکب شد. همچنین بمباران های متعدد شمال عراق توسط ارتش ترکیه و اظهارات آنها مبنی بر لشکرکشی به شمال عراق برای از بین بردن «پ. ک. ک» باعث خدشه دارد شدن غرور ملی مردم عراق و عصبانیت نمایندگان مجلس عراق گردید تا جایی که کار به شکایت های بین المللی کشیده شد.

در رابطه با سوریه نیز نقش مخرب ترکیه مشهود است و در چند ماهه اخیر روابط ارمنستان و ترکیه هم به سردی گراییده است.

اما آنچه به نظر در تحلیل روابط ترکیه و همسایگانش مهم می باشد و به نظر می رسد باید توسط مسئولان دولت جمهوری اسلامی به ترکیه گوشزد شود، آن است که بدون شک این دوران حساس خواهد گذشت و مردم منطقه نیز با علم به راه اسلام، به موفقیت دست خواهند یافت، اما سوال اینجاست که با پایان این دوره بر سر ترکیه چه خواهد آمد؟

بدون شک سوریه با گذشت از این فتنه، قدرت نرم بیشتری پیدا خواهد کرد؛ چه آن که ایران نیز بعد از فتنه 88 در برابر حملات واکسینه شد، اما آیا سوریه بعد از عبور از این فتنه باز هم همان روابط را با ترکیه خواهد داشت؟ آیا سوریه از ترکیه انتقام نخواهد گرفت آیا بعد از استقرار کامل ثبات در دولت عراق و با توجه به قدرت روزافزون نوری مالکی و شیعیان و نزدیکتر شدن خروج آمریکایی ها از عراق، برخورد جدی و تنبیهی توسط ملت عراق برای دولت ترکیه در نظر گرفته نمی شود؟ آیا با سقوط متحدان آمریکا در منطقه و رشد روزافزون قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در میان ملت ها که به واسطه 30 سال استقامت در برابر غرب رخ داده است، برخورد ایران به خاطر گستاخی ترکیه در پذیرش سپر موشکی ناتو در کشورش که یک تهدید امنیتی برای ایران محسوب می شود، آیا مثل قبل خواهد بود؟ آیا ارمنستان نیز همچون قبل برخورد خواهد کرد؟

بدون شک ترکیه باید منتظر دوران بدی برای آینده خود در رابطه با همسایگان شرقی، جنوبی و غربی خود باشد.

از نظر نگارنده تمام این نعل های وارونه ترکیه و نقض مواضع قبلی تنها در این علت نهفته است که ترکیه نمی خواهد بگذارد ایران در منطقه رهبر معنوی ملت ها بشود؛ چه آن که این مسئله به طور خودکار در حال رخ دادن است؛ وقتی ترکیه متوجه این امر شد که هر چقدر هم تلاش کند، نمی تواند جای ملت ایران را در قلوب دیگر کشورها بگیرد، سعی کرد با بازی کردن نقش میانجی میان جبهه مقاومت و غرب، این گونه نقش خود را پر رنگ نماید تا به جهانیان بفهماند، کلید استقرار دموکراسی در منطقه در دست اوست، آنچه که با لبخند آمریکایی ها نیز مواجه شده است تا با دادن آب نبات هایی کوچک، درهای غلتنی را از ترکیه با ایفای نقش منفی در منطقه بستاند.

وقتی این نعل وارونه مشهودتر خواهد شد که بدانیم وزیر خارجه ترکیه پیشتر در کتاب «عمق استراتژیک» خود این چنین می نگارد که معتقد است که ترکیه پل میان اسلام و غرب نیست.

وی برای این اعتقاد به زعم خودش دلیل محکمی دارد؛ او می گوید: در صورت قبول این نقش، ترکیه به ابزار تحقق و توسعه منافع استراتژیک دیگران بدل خواهد شد، در حالی که ماموریت بین المللی اصلی ترکیه برعکس آن است.

هر چند که این روند ترکیه را می توان یک تحلیل معنوی نیز کرد و آن، این است که اساسا ظرفیت محبوب شدن در میان انسان ها اگر آن را فیض الهی ندانیم، در ما بسیار محدود است و تکبر ناشی از توهم محبوب دانستن خود در میان مردم - در حالی که مردم به شعارها و عمل رای می دهند و نه به شخص - باعث می شود تا حتی افراد در ایدئولوژی هایشان نیز دچار لغزش شوند.

چه آن که امروز اردوغان اسلامگرایی چند سال پیش، دولت لائیک را به مصری ها پیشنهاد می دهد؛ البته این امر متأسفانه در کشور خودمان نیز در چند سال اخیر تا حدودی قابل مشاهده بود، به طوری که افراد با نداشتن درک درست از علت انتخابشان توسط مردم که همان شعارهای اسلامی بوده است، در ایدئولوژی های اسلامیشان نیز تجدیدنظر کرده و بعضاً در راستای غرب حرکت می کنند.

